

فصلنامه علمی دیدگاه‌های حقوق قضائی
مقاله پژوهشی، دوره ۲۸، شماره ۱۰۳، پاییز ۱۴۰۳، صفحات ۱۵۱ تا ۱۷۴
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۲۴ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۰۷

ضمانت اجرای نقض حقوق شهروندی به منزله حقوق دفاعی

متهم

در تحقیقات مقدماتی

انریمان فاخری* | استادیار گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

چکیده

بر اساس معیارهای نظام دادرسی تفتیشی، که سری، کتبی و غیرترافعی بودن تحقیقات مقدماتی است، دادسرا وظیفه جمع‌آوری دلایل جرم و تکمیل پرونده و دفاع از منافع جامعه را به عهده دارد. علاوه بر این، دادسرا به‌عنوان یک طرف دعوی عمومی، در رابطه با رعایت حقوق اساسی و حقوق شهروندی شاکی و متهم و احیاناً شهود و مطلعان نیز وظایفی دارد. ضرورت رعایت حقوق اساسی و شهروندی متهمان، تعیین ضمانت اجرای لازم برای جلوگیری از نقض آن‌ها را ایجاب می‌کند. در پیشینه تحقیقات مربوط به حقوق دفاعی متهم، این امر مورد توجه و بررسی قرار نگرفته است. مسئله اصلی این است که برای رعایت حقوق اساسی و شهروندی متهم، در قوانین اساسی و عادی با توجه به موازین حقوق بشری چه تضمیناتی پیش‌بینی شده است؟ این مسئله با روش نظری، توصیفی و تحلیل حقوقی، در این مقاله بررسی، و چهار نوع ضمانت اجرا برای آن شناسایی شده است. تضمیناتی که در نظام دادرسی ایران برای حفظ و رعایت حقوق اساسی و شهروندی متهم توسط مقامات قضائی و اداری و ضابطان دادگستری پیش‌بینی شده است عبارت‌اند از: بی‌اعتباری تصمیمات و اقدامات ناقض حقوق اساسی و شهروندی متهم، ضمانت اجرای انتظامی ناظر بر محدودیت‌ها و محرومیت‌های شغلی مقامات رسیدگی‌کننده، ضمانت اجرای کیفری نسبت به اقدامات و تصمیمات غیرقانونی و ناقض حقوق دفاعی و شهروندی متهم، و مسئولیت مدنی برای

جبران خسارات وارده بر متهم بر اثر اقدامات ناقض این حقوق. در این مقاله در عنوان‌های جداگانه این موارد دسته‌بندی شده و مورد بررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: متهم، حقوق شهروندی، تحقیقات مقدماتی، حق دفاع، ضمانت اجرا.

مقدمه

رعایت حقوق شهروندی از موضوعات مهمی است که در سطح جهانی، اسناد بین‌المللی چون اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، و در سطح ملی قوانین اساسی و عادی کشورها، قواعدی راجع به حقوق شهروندی و الزامات راجع به آن را پیش‌بینی کرده‌اند.

با توجه به میزان اهمیت و ضرورت رعایت حقوق اساسی و آزادی‌های فردی، قانون اساسی و قوانین عادی ایران تکالیفی را با توجه به موازین بین‌المللی راجع به حقوق مدنی و سیاسی، برای افراد و مقامات و مراجع رسیدگی‌کننده به اتهامات و شکایات و تظلمات، مقرر کرده و روش‌هایی برای تضمین اجرای آن‌ها پیش‌بینی کرده است. ماده ۱۰۰ قانون برنامه چهارم توسعه مصوب ۱۳۸۳، دولت را به تصویب منشور حقوق شهروندی موظف کرده و در ماده ۱۳۰ نیز قوه قضائیه را به تهیه لایحه حفظ و ارتقای حقوق شهروندی و حمایت از حریم خصوصی افراد در راستای اصل ۲۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران موظف کرده بود. علاوه بر این، قوه مجریه در سال ۱۳۹۵ با ارائه منشور حقوق شهروندی (ریاست جمهوری، ۱۳۹۵: ۸) و قوه قضائیه نیز در سال ۱۳۹۹ با ارائه سند امنیت قضائی (قوه قضائیه، ۱۳۹۹: ۶) بیش‌ازپیش به حقوق و آزادی‌های افراد به‌ویژه در امر دادرسی تأکید کردند. تحقیقات مقدماتی دادرسی یکی از مواضعی است که در آن رعایت حقوق اساسی و آزادی‌های فردی ضرورت داشته و امکان نقض آن با توجه به شرایط و اوضاع و احوال حاکم بر تحقیقات مقدماتی، نسبت به افرادی که در مظان اتهام قرار گرفته‌اند وجود دارد.

گرچه رعایت برخی از حقوق اساسی و دفاعی متهم به اقتضای دادرسی عادلانه و وظیفه مقامات قضائی است، اما برخی از این حقوق به متهم و وکیل وی امتیازاتی اعطا می‌کنند که با استفاده از آن به اعمال حق دفاع و دادرسی منصفانه مساعدت می‌کنند. در تحقیقات مقدماتی از متهم آنچه اهمیت دارد این است که دادرسی برای جمع‌آوری و حفظ آثار و دلایل جرم و شناسایی، تعقیب و جلوگیری از مخفی شدن و فرار متهم و تمام اقداماتی که قضات تحقیق تا زمان صدور قرار نهایی و کیفرخواست انجام می‌دهند، رعایت حقوق شهروندی و حق دفاع متهم را همواره مدنظر قرار دهند. با توجه به اینکه اجرای این حقوق و رعایت آن‌ها توسط مقامات اجرایی و قضائی همواره از

مطالبات شهروندان است، پیش‌بینی تضمینات لازم برای اجرای آن‌ها نیز از اهمیت شایانی برخوردار است. این تحقیق تضمینات اجرای حقوق شهروندی متهم در تحقیقات مقدماتی دادسرا را مورد مطالعه قرار داده است. برای الزام به رعایت این حقوق، این سؤال مطرح می‌شود که چه تضمیناتی برای رعایت حقوق اساسی و شهروندی متهم در تحقیقات مقدماتی دادسرا وجود دارد؟ این فرضیه در مواجهه با این پرسش به نظر می‌رسد که در نظام حقوقی ایران برای الزام مقامات قضائی دادسرا به رعایت حقوق اساسی و شهروندی متهمان، ضمانت اجرای انتظامی، حقوقی و کیفری پیش‌بینی شده است.

هدف این مقاله بیان انواع ضمانت اجرای نقض حقوق اساسی و شهروندی متهم در دادسراست تا مقامات دادسرا و متهمان با شناخت و رعایت آن‌ها از اقدامات ناقض آن پیشگیری کنند.

با توجه به خصوصیت غیرترافی و غیرعلنی بودن تحقیقات مقدماتی، لزوم رعایت حقوق دفاعی متهم و احترام به آزادی‌های قانونی وی، پیش‌بینی تضمینات لازم برای رعایت این حقوق، بیش‌ازپیش ضرورت پیدا می‌کند.

آنچه تاکنون در تحقیقات علمی بیشتر به آن توجه شده، تبیین مصادیق حقوق شهروندی و شرایط آن در قوانین، و وظایف دستگاه‌ها و مقامات ذربط در اجرای آن‌ها بوده است؛ و به موضوع ضمانت اجرای آن‌ها و واکنش نظام حقوقی در قبال نقض این حقوق در تحقیقات مقدماتی دادسرا کم‌تر توجه شده است.^۱ بر همین اساس سعی شد در این نوشتار به مهم‌ترین ضمانت اجرای موجود و آثار نقض حقوق شهروندی در تحقیقات مقدماتی دادسرا و نحوه واکنش قانونی در قبال آن پرداخته و راه‌های بهتر صیانت از آن ارائه شود.

۱. مفاهیم و تحولات حقوق شهروندی

شناخت مفهوم حقوق شهروندی و جایگاه آن در تحقیقات مقدماتی و نحوه توسعه آن در سیر قانونگذاری برای بهره‌مندی و نحوه صیانت از آن ضروری است.

۱-۱. حقوق شهروندی و تحقیقات مقدماتی

۱. در مقاله زیر تنها در مورد افراد تحت نظر در تحقیقات پلیس یا ضابطان دادگستری به بررسی ضمانت اجرای نقض حقوق شهروندی پرداخته شد: مودن‌زادگان و محمد کوره‌پز، ۱۳۹۵، «ضمانت اجرای نقض حقوق شهروندی در فرایند تحقیقات پلیسی»، آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۱۱، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

حق «امتیاز و نفعی است متعلق به شخص که حقوق هر کشور در مقام اجرای عدالت از آن حمایت می‌کند و به او توان تصرف در موضوع حق و منع دیگران از تجاوز به آن را می‌دهد» (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۷۵). شهروند از واژه‌های دوران معاصر است که به دنبال شناسایی جامعه مدنی، که در آن حقوق متقابل دولت و اتباع نقش اساسی دارد، مطرح شده که در فرهنگ حقوقی خارجی به‌عنوان شخصی تعریف شده است که در مقابل دولت متعهد بوده و از سوی او از حمایت برخوردار است (James a clap, 2003: 1).

در برخی کشورها مثل آمریکا میان شهروند و تبعه تفکیک شده است. بدین نحو که تبعه کسی است که علقه او به کشور دائمی است، درحالی که شهروند می‌تواند دائمی نباشد. قانون مهاجرت و تابعیت ۱۹۵۲ آمریکا در بند ۲۲ ب می‌گوید که «یک تبعه ایالات متحده آمریکا» کسی است که گرچه سیتیزن (شهروند) آمریکا نیست، ولی سوگند وفاداری دائمی نسبت به آمریکا ادا کرده است (سروی مقدم، ۱۳۸۳).

حقوق شهروندی حقوقی است که هر فرد به‌عنوان اینکه در جامعه زندگی می‌کند از آن بهره‌مند می‌شود و می‌تواند آن را مطالبه و از تعرض به آن جلوگیری کند و از حمایت قانون و جامعه نسبت به آن برخوردار شود.

این حقوق جنبه‌های مختلفی دارد که شامل حقوق مدنی مثل حق مالکیت و حقوق سیاسی مثل حق انتخاب کردن و انتخاب شدن و حقوق اجتماعی مثل حق داشتن شغل و تأمین اجتماعی و حقوق قضائی مثل حق دادخواهی می‌شود. تحقیقات مقدماتی تعریف شده است به: «مجموعه اقداماتی که به‌وسیله مقامات خاص قضائی برای کشف جرم جمع‌آوری دلایل، جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم، و اظهارنظر درخصوص قابل پیگرد بودن یا نبودن او به عمل می‌آید» (آخوندی، ۱۳۶۸: ۶۸).

قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ سعی کرد تعریفی کامل‌تر برای تحقیقات مقدماتی دادسرا در ماده ۹۰ ارائه دهد: «تحقیقات مقدماتی مجموعه اقدامات قانونی است که از سوی بازپرس یا دیگر مقامات قضائی برای حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم انجام می‌شود». با این حال به دستورات قضائی صادره برای ضابطان دادگستری در اجرای تحقیقات مقدماتی و همچنین قرارهای مقدماتی و نهایی در آن تصریح نشده است. قید مجموعه اقدامات نیز تکافوی این منظور را نمی‌نماید. البته عبارت «مجموعه اقدامات قانونی» تأکیدی است بر قانونی بودن دادرسی در مرحله تحقیقات مقدماتی.

۲-۱. حقوق شهروندی و کرامت انسان در اسلام

در آیات و روایات اسلامی به کرامت انسانی و شرافت وی که منشأ یک سلسله حقوق و آزادی‌هاست توجه شایانی شده است (مطهری، ۱۳۸۶: ۱۲۷).

کرامت انسانی از مسائل اساسی اسلامی است که در آیه ۷۰ سوره اسراء بدان تصریح شده است. ممنوعیت سوء ظن و تجسس در امور دیگران در آیه ۱۲ سوره حجرات، ممنوعیت ورود به منازل دیگران بدون استیذان در آیه ۲۷ سوره نور، ممنوعیت استراق سمع در آیه ۱۷ سوره اسراء، و اصل برائت که از مهم‌ترین تضمین‌های دادرسی منصفانه محسوب می‌شود، قرن‌ها قبل توسط دین مبین اسلام به بشریت عرضه شده است.

بر مبنای اصل برائت بار اثبات جرم به عهده شاکی و مدعی است. متهم نیز ضمن داشتن حق سکوت برای نفی اتهام از خود مجبور نیست دلیل ارائه کند. بنابراین اعمال هر گونه محدودیتی برای آزادی متهم تا قبل از وجود دلیل کافی جایز نیست. از آثار دیگر اصل برائت اعمال قاعده فقهی «درء» در صورت هر گونه شبهه و تردید است. در موارد شبهه به اقتضای قاعده فقهی «تدرء الحدود بالشبهات» از اعمال کیفر خودداری می‌شود. «به موجب این قاعده که اکثر علمای اهل تسنن و تشیع به آن استناد کرده‌اند، در موارد عروض شبهه اعم از موضوعی و حکمی کیفرها برداشته می‌شود» (اردبیلی، ۱۳۹۹: ۲/۱۴۴).

یکسان‌نگری میان اصحاب دعوی و بردباری و شکیبایی قاضی در شنیدن گفته‌ها و دلایل طرفین و پرهیز از دادرسی هنگام خشم از آداب قضای اسلامی است (شیخ صدوق، ۱۴۰۴: ۳۷۹).

حق دسترسی به محکمه عادلانه که در دوران معاصر از تضمینات رعایت حقوق شهروندی است، از دوران پیامبر اکرم (ص) وجود داشته است (شمس‌الدین سرخسی، ۱۴۱۴: ۴/۱۹). در خصوص حق دفاع نیز در قضاوت‌های حضرت علی (ع) در مورد زنی که خلیفه وقت حکم به اجرای حد داده بود دستور فرمودند که زن را برگردانند تا از حالش سؤال شود و زن علت عمل خود را اضطرار ناشی از تشنگی بیان کرد. امام (ع) نیز به استناد آیه اضطرار حد را از وی برداشتند (شیخ صدوق، ۱۴۰۴: ۳۵).

در مورد علنی بودن دادرسی نیز منقول است که امام علی (ع) برای قضاوت کردن، در مسجد کوفه مکانی مرتفع را انتخاب می‌کند تا مشاهده ایشان از اطراف مسجد امکان‌پذیر باشد (محمدحسن نجفی، ۱۳۹۸: ۴/۸۰). آیات ۲۷ و ۲۸ سوره نور در خصوص حرمت مسکن، و آیه ۱۲ سوره حجرات در مورد ممنوعیت تجسس، در حفظ حریم خصوصی صراحت دارند.

۳-۱. تحولات قانونی ایران در قلمرو حقوق شهروندی

از ابتدای قانون‌گذاری در ایران در متمم قانون اساسی مشروطه مصوب ۱۲۸۶، حقوق ملت پیش‌بینی شده و اصولی چون تساوی افراد در مقابل قانون در اصل ۸، مصونیت محل سکونت در اصل ۱۳، ممنوعیت دستگیری غیرقانونی در اصل ۱۰، ممنوعیت افشای مراسلات و مکاتبات و مخابرات در اصول ۱۳ و ۲۲، علنی بودن دادرسی در اصل ۷۰ قانون اساسی مشروطه پیش‌بینی شده بود. قانون اصول محاکمات جزایی مصوب ۱۲۹۱ که بعدها توسط فرهنگستان علوم به قانون آیین دادرسی کیفری تغییر نام یافت در مواد ۹۱ تا ۹۴ ترتیباتی را برای تفتیش منزل و همچنین حق داشتن وکیل در تبصره ماده ۱۱۲ پیش‌بینی کرده بود. گرچه نخستین بار حقوق دفاعی متهم در این قانون مورد توجه قرار گرفته بود، ولی در نگرش سنتی، مقامات قضائی مکلف بودند برای تأمین منافع جامعه و نظم عمومی، به‌صورت آمرانه نسبت به تعقیب دعوی کیفری اقدام کنند، به همین جهت نقش وکیل مدافع نیز در تحقیقات مقدماتی که جنبه تفتیشی داشت، در حد ناظران تحقیقات تنزل یافته بود.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸، فصل سوم آن به حقوق ملت تخصیص داده شد. مهم‌ترین اصولی که در این قانون به حقوق شهروندی و دادرسی کیفری مربوط می‌شوند عبارت‌اند از آزادی عقیده و ممنوعیت تفتیش عقاید در اصل ۲۳، حق دادخواهی در اصل ۳۴، حق انتخاب وکیل در اصل ۳۵، ممنوعیت شکنجه در اصل ۳۸، مصونیت حریم خصوصی در اصل ۲۲ و حفظ حرمت افراد دستگیر شده و زندانی در اصل ۳۹ و اصول متعدد دیگری که مبین حفظ کرامت انسانی و حقوق دفاعی متهم است. در اهتمام به رعایت این حقوق علاوه بر اصول قانون اساسی، قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ مواد متعددی را به رعایت حریم خصوصی و حفظ حق دفاع متهم اختصاص داده بود. ولی در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ گام‌های بیشتری برای تضمین رعایت آن‌ها برداشته شده است. ضمن اینکه تصویب قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی در سال ۱۳۸۳ که جنبه‌های مختلف حقوق شهروندی را دربرمی‌گیرد، اهتمام به رعایت این حقوق شتاب بیشتری یافته است و نقطه عطفی در این مورد محسوب می‌شود. آثار این اقدامات توسعه معیارهای حقوق بشر در نظام حقوقی ایران است. «قانون حقوق شهروندی به‌عنوان یک قانون کیفری شکلی، در سنجه مفهوم دادرسی عادلانه، که اصول، تشریفات و ویژگی‌های آن در موازین کیفری حقوق بشر و مواد قانون آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی و ضابطه‌مند شده است، بررسی می‌شود» (ر.ک. نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۸).

۲. تضمین حقوق شهروندی و دفاعی متهم در دادسرا

متهم در مقام دفاع از اتهام وارده در تحقیقات مقدماتی دادسرا، از مجموعه وسایل و امکاناتی که در قانون پیش‌بینی شده است می‌تواند بهره‌مند شود که از آن‌ها به حقوق دفاعی متهم یاد می‌شود. «حق دفاع مجموعه تضمیناتی است که در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی برای افرادی که در مظان ارتکاب بزه قرار می‌گیرند، در سراسر رسیدگی کیفری و با هدف اتخاذ تصمیم عادلانه و به دور از اشتباهات قضائی منظور شده است» (آشوری، ۱۳۷۶: ۱۴۴).

حقوق دفاعی متهم در تحقیقات مقدماتی تضمین‌کننده حقوق شهروندی متهم محسوب می‌شوند. رعایت برخی از این حقوق به عهده ضابطان و مقامات قضائی است، مثل حق اطلاع متهم از موضوع و ادله اتهام انتسابی که در ماده ۵ ق.آ.د.ک به آن تصریح شده و در جهت رعایت حق دفاع و موازین دادرسی منصفانه است.

برخی دیگر از حقوق دفاعی نیز توسط متهم یا وکیل او قابل استفاده و استناد است. مثل حق سکوت متهم که در ماده ۱۹۷ ق.آ.د.ک به آن تصریح شده است. این حقوق از بدو شروع به تعقیب در دادسرا تا ارسال پرونده به دادگاه برای رسیدگی و تا ختم رسیدگی قابل استناد است؛ همچنانکه در تحقیقات از جرائمی که مستقیماً در دادگاه طرح می‌شوند مثل جرائم منافی عفت و جرائم اطفال و نوجوانان و جرائم تعزیری درجه ۷ و ۸ در تحقیقات و رسیدگی دادگاه کیفری ۲ که به موجب قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۴۰۲/۶/۲۲ جرائم عمدی تعزیری درجه ۷ و ۸ در صلاحیت دادگاه صلح قرار گرفتند، نیز این حقوق قابل اعمال و استناد هستند. حمایت از این حقوق در نظام حقوقی ایران با تضمین‌های حقوقی، انتظامی و کیفری همراه است. برای رعایت حقوق دفاعی و حفظ حقوق شهروندی متهم چهار نوع ضمانت اجرا را در نظام کیفری ایران می‌توان مشاهده کرد. به طوری که عدم رعایت یا نقض حقوق دفاعی متهم ممنوع بوده و می‌تواند موجب بی‌اعتباری تحقیقات مقدماتی، یا محکومیت انتظامی مقامات رسیدگی‌کننده باشد و در مواردی نیز مجازات نقض‌کنندگان، و در نهایت مسئولیت جبران خسارت ناشی از نقض این حقوق را در پی داشته باشد.

۲-۱. بی‌اعتباری اقدامات مغایر حقوق شهروندی و دفاعی متهم

همه اقدامات مغایر با حقوق متهم که با مجازات یا محکومیت‌های انتظامی همراه است ممنوع هستند. بدیهی است همه اقداماتی که در قانون ممنوع اعلام شدند فاقد اعتبارند و در جریان رسیدگی اثری به این اقدامات مترتب نمی‌شود. با این وصف، برخی ممنوعیت‌ها ممکن است به دلیل اخلال در نظم عمومی و فرایند دادرسی علاوه بر بی‌اعتباری با مجازات یا محکومیت‌های انتظامی هم همراه باشند. اما برخی ممنوعیت‌ها فاقد مجازات یا محکومیت انتظامی هستند. این اقدامات صرفاً موجب بی‌اعتباری تحقیقات و اقدامات یا دستورات و تصمیمات غیرقانونی، و ناقض حقوق اساسی و شهروندی متهم می‌شوند. «منظور از بی‌اعتباری در این موارد آن است که چنانچه تشریفات بازجویی (ماده ۶۰ و ۱۱۵) اقدامات و تحقیقات (ماده ۳۰ و ۳۶) و نیز تشریفات ناظر به اصدار رأی (تبصره ماده ۴۵۵) رعایت نشود آن قسمت از تحقیقات و بازجویی‌هایی که خارج از ترتیبات قانونی صورت گرفته است، بی‌اعتبار می‌شود» (موذن‌زادگان و محمد کوره‌پز، ۱۳۹۵: ۷۲).

بسیاری از حقوقی که در قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ پیش‌بینی و نقض آن‌ها منع شده است، عدم رعایت آن‌ها موجب بی‌اعتباری تحقیقات مقدماتی است. اجتناب از اعمال خشونت و ایدای افراد و تحقیر و استخفاف آن‌ها که در بندهای ۱، ۶ و ۷ این قانون آمده و اجبار به اقرار در بند ۹ موجب بی‌اعتباری اقرار و تحقیقات مقدماتی است. همچنانکه اصل ۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز اقرار یا شهادت یا سوگند حاصل از هرگونه اجبار را بی‌اعتبار اعلام می‌کند. بنابراین هر گونه رفتاری که بر اراده آزاد متهم در اظهارات وی تأثیر بگذارد اعتبار آن را محدود می‌سازد. یک نظام قضائی مستحکم با نیروهای آموزش‌دیده ماهر، لازم نیست به رفتارهای غیراخلاقی برای جبران ضعف در تحقیقات خود متوسل شود. بند ۱۰ قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی نیز مقرر کرده است: تحقیقات و بازجویی‌ها باید مبتنی بر اصول و شیوه‌های علمی، قانونی و آموزش‌های قبلی و نظارت لازم صورت گیرد. البته وفق اصول دادرسی منصفانه، آن دسته از شیوه‌های علمی که به حقوق دفاع متهم لطمه وارد می‌کند هنگام بازجویی از متهمان منع شده است (موذن‌زادگان، ۱۳۸۹: ۳۲۲).

توسل به شکنجه برای اخذ اقرار، به کشف حقیقت کمکی نمی‌کند، حتی ممکن است دستیابی به مجرم واقعی را با دشواری مواجه سازد. براساس ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر، احدی را نمی‌توان تحت شکنجه یا رفتاری قرار داد که ظالمانه یا خلاف انسانیت و شئون بشری یا موهن باشد (UN, GA RES, 1948: 217)

این امر مقامات را از هر گونه تهدید مستقیم یا غیرمستقیم، فیزیکی یا روانی منع کرده و شکنجه و رفتار بی‌رحمانه غیرانسانی یا تحقیرآمیز را ممنوع می‌کند (UN, HRC REP, A/46/40, 1991).

اجبار و اکراه و اغفال و تلقین متهم حین بازجویی که در ماده ۱۹۵ قانون آیین دادرسی کیفری منع شده است، طبق ماده ۶۰ این قانون موجب بی‌اعتباری بازجویی می‌شود. ماده ۱۵ کنوانسیون منع شکنجه نیز از دولت‌ها می‌خواهد که اظهارات ناشی از شکنجه در هیچ دادرسی به‌عنوان دلیل مورد استناد قرار نگیرد (UN, GA RES, 39/46, 1984).

منع کنجکاوای در اسرار شخصی و خانوادگی طبق بند ۱۱ قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، همچنین منع تفتیش عقاید براساس اصل ۲۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و منع استراق سمع و تجسس طبق اصل ۲۵ این قانون موجب بی‌اعتباری اقدامات ناقض این حقوق است.

اقدامات افرادی که فاقد عنوان ضابط دادگستری یا شرایط قانونی آن هستند در تحقیقات مقدماتی طبق ماده ۳۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ فاقد اعتبار است. «این تحقیقات و اقدامات فاقد هر گونه اعتبار یا بی‌اعتباری مطلق (بطلان) می‌باشد» (موزن‌زادگان و محمد کوره‌پز، ۱۳۹۵: ۷۲).

علاوه بر این، ضابطان دادگستری فقط در محدوده اختیارات خود می‌توانند عمل کنند، «زیرا اختیارات ضابط دادگستری محدود و منصوص است. ضابط دادگستری در ایفای وظایف خود آنگاه که وارد حریم حقوق و آزادی‌های شهروندان می‌شود باید این حریم را پاس بدارد و نمی‌تواند برای یافتن حقیقت و به بهانه آن به هر شیوه‌ای متوسل شود» (اردبیلی، ۱۳۸۳). سلب همراه داشتن وکیل یا عدم تفهیم این حق به متهم براساس تبصره ۱ ماده ۱۹۰ ق.ا.د.ک ۱۳۹۲ موجب بی‌اعتباری تحقیقات مقدماتی است. بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز حق برخورداری از وکیل را معیاری برای دادرسی استاندارد معرفی می‌کند (cf. UN, GA.RES, 2200, 1966).

اصل برابری سلاح‌ها در تحقیقات مقدماتی، لزوم برخورداری متهم از وکیل را به‌عنوان یکی از جلوه‌های بارز حقوق شهروندی درآورده است. اصل ۳۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز حق بهره‌مندی از وکیل را مقرر کرده است. در ماده ۵۸ منشور حقوق شهروندی حق برخورداری از وکیل ذیل عنوان حق برخورداری از دادخواهی عادلانه قرار گرفته و معیاری برای دادرسی عادلانه محسوب شده است (ر.ک. منشور حقوق شهروندی، ۱۳۹۶).

سلب حق همراه داشتن وکیل یا عدم تفهیم این حق به متهم براساس تبصره ۱ ماده ۱۹۰ ق.آ.د.ک موجب محکومیت انتظامی است. این تبصره که در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به بی اعتباری تحقیقات مقدماتی در صورت سلب حق همراه داشتن وکیل یا عدم تفهیم این حق به متهم، تصریح کرده بود، در اصلاحیه مورخ ۱۳۹۴/۳/۲۴ فقط محکومیت انتظامی را به عنوان ضمانت اجرای عدم رعایت این حق ذکر کرده است؛ و با حذف عبارت «بی اعتباری تحقیقات» گویا اعتقاد به معتبر شناختن تحقیقات مقدماتی دارد. در حالی که عمل ممنوعی که موجب محکومیت انتظامی است، به طریق اولی باید موجب بی اعتباری تحقیقات شود. گرچه اعتقاد مقنن به همین اولویت نیز می تواند توجیهی برای حذف آن عبارت تلقی شود. به هر حال معتبر شناختن چنین عمل ممنوعی مبنای ممنوعیت آن را زیر سؤال می برد.

موارد متعددی از حقوق اساسی افراد وجود دارد که قانونگذار تعرض به آن ها را ممنوع اعلام کرده است. بنابراین اقدامات و تصمیمات خلاف آن ها از لحاظ حقوقی معتبر نبوده و قابل ترتیب اثر نیست. بدیهی است کسی که در معرض اتهام قرار می گیرد، همانگونه که حقوق اساسی، آزادی و امنیت وی باید حفظ شود، حریم خصوصی او نیز مورد احترام است، زیرا امکان دفاع در یک فضای سرشار از اضطراب و نگرانی از درخطر بودن حیثیت و جان و مال، از وی سلب می شود. به همین جهت افشای هویت و محل اقامت متهمان طبق ماده ۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری ممنوع است. بازرسی و تفتیش از اماکن، اشیا و مکاتبات و مکالمات متهم نیز محدودیت هایی دارد که ضوابط آن را فقط قانون تعیین می کند.

طبق اصل ۲۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «حیثیت، جان، مال، حقوق، و مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند». بنابراین، تحقیقات مقدماتی و انجام بازرسی ها نباید محملی برای تعرض به مسکن، حیثیت و حریم خصوصی افراد شود. چنانکه به موجب بند ۸ قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، بازرسی ها و معاینات محلی برای دستگیری متهمان و کشف آلات و ادوات جرم باید با احتیاط و بدون مزاحمت انجام شود. در مواد ۱۳۷ تا ۱۵۴ قانون آیین دادرسی کیفری مقررات مبسوطی راجع به بازرسی و تفتیش منازل، اماکن و اشیا و کشف آلات و ادوات جرم پیش بینی شده است. طبق این مقررات تفتیش و بازرسی در اماکن و موارد مذکور صرفاً زمانی ممکن است که ظن قوی به کشف جرم یا اسباب و آلات و دلایل آن بوده، و مشروط به مهم تر بودن تفتیش از حقوق اشخاص، و با اجازه مقام قضائی و با حضور متصرف قانونی، و بازرسی در روز از منازل باشد. محتوای اسناد، نوشته ها و مدارک متعلق به افراد، به تمامیت معنوی و حیثیت آن ها مربوط می شود.

تحقیقات مقدماتی نباید موجب افشای مضمون آن‌ها، که ارتباطی با جرم ندارد، شود. قسمت اخیر بند ۸ قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، تعرض به اسناد و مدارک و اشیایی که با جرم و متهم ارتباطی نداشته، و افشای مضمون نامه‌ها، نوشته‌ها، عکس‌های فامیلی و فیلم‌های خانوادگی و ضبط بی‌مورد آن‌ها را منع کرده است.

تعرض به تلفن، نامه، پیامک و محتویات پست الکترونیکی که جهت تبادل اطلاعات خصوصی به‌کار می‌روند، موجب نقض حریم خصوصی افراد می‌شود. اصل ۲۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بازرسی نامه‌ها و ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور و نرساندن آن‌ها و استراق سمع را جز به حکم قانون ممنوع کرده است. به موجب ماده ۱۵۰ قانون دادرسی کیفری، کنترل ارتباطات مخابراتی افراد ممنوع است. تبصره ۲ این ماده حتی کنترل ارتباطات مخابراتی محکومان را جز به تشخیص دادگاه یا قاضی اجرای احکام ممنوع اعلام کرده است. توقیف داده‌ها و سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی نیز طبق ماده ۷۷۲ قانون (جرایم رایانه‌ای) تعزیرات چنانچه موجبات ایراد لطمه جانی یا خسارات مالی شدید به اشخاص یا اخلال در ارائه خدمات عمومی شود ممنوع است و درنهایت به اقتضای لزوم حمایت از کیان خانواده و حفظ حیث افراد، ماده ۱۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ تحقیق در جرائم منافی عفت را ممنوع کرده است. شروع به تحقیق در این موارد مستلزم مشهود بودن جرم و شکایت شاکی خصوصی است که صرفاً توسط قاضی انجام می‌شود و ضابطان دادگستری حق مداخله و تحقیق در آن را ندارند. ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر در این زمینه مقرر کرد: «احدی در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامتگاه یا مکاتبات خود، نباید مورد مداخلات خودسرانه واقع شود؛ و شرافت و اسم و رسمش نباید مورد حمله قرار گیرد. هرکس حق دارد که در مقابل این‌گونه مداخلات و حملات مورد حمایت قرار گیرد». همین حکم در ماده ۱۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز پیش‌بینی شده است. یکی از راه‌های حمایت دولت‌ها از حقوق شهروندی، ممنوع کردن و جرم‌انگاری ورود به حریم مادی و معنوی افراد است. اهمیت حفظ کرامت انسانی اقتضا دارد که مقامات قضائی فقط در حد ضرورت و با کمال احتیاط و بدون مزاحمت و با مقدم داشتن حقوق اشخاص به جمع‌آوری دلایل و مستندات جرم اقدام کنند، زیرا براساس ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری «... هرگونه اقدام محدودکننده، سلب آزادی و ورود به حریم خصوصی اشخاص جز به حکم قانون و با رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضائی مجاز نیست ...». از این رو، تحصیل دلیل از طرق غیرقانونی و نقض حقوق شهروندی موجب بی‌اعتباری آن دلایل است. نظم عمومی و حتی امنیت بین‌المللی نمی‌تواند توجیه‌کننده تعرض به

حریم خصوصی و امنیت شخصی افراد شود. تعرض به معنی نادیده گرفتن اختیارات قانونی، خود محل نظم و امنیت است. به همین دلیل نقض ممنوعیت‌های قانونی اگر برای آن‌ها محکومیت انتظامی یا مجازات پیش‌بینی نشده باشد، اصولاً باید غیرمعتبر تلقی شوند. در غیر این صورت ممنوع بودن آن‌ها بی‌معنی بوده و عملی لغو است که هیچ فایده‌ای دربر ندارد. از قانون‌گذار هم عمل لغو سر نمی‌زند.

۲-۲. ضمانت اجرای انتظامی نقض حقوق شهروندی و دفاعی متهم

ضمانت اجرای انتظامی متوجه مقامات رسیدگی‌کننده به اتهامات است که شامل ضابطان دادگستری، قضات تحقیق، مقامات دادرها و دادگاه‌ها و مأموران اجرای مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی می‌شود. طبق ماده ۸ قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، بازرسی‌ها و کشف آلات و ادوات جرم و گرفتن اسناد و نوشته‌ها و دستگیری متهمان فراری باید براساس قانون باشد. دخالت مأمورانی که فاقد عنوان ضابط دادگستری یا شرایط قانونی هستند در تحقیقات مقدماتی براساس ماده ۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری موجب انفصال از خدمات دولتی است. همچنان که تخلف از دستورات مقام قضائی و عدم اجرای آن در مهلت تعیین‌شده، افشای اطلاعات پرونده، اخذ تأمین توسط ضابطان دادگستری، و عدم ثبت هویت متهمان جهت اطلاع به دادرها و خانواده آنان، و اطلاع ندادن حقوق قانونی به متهمان، ورود غیرمجاز به منازل و اماکن بسته و تفتیش غیرمجاز اشخاص و اشیاء در جرائم غیرمشهود، این ضمانت اجرا را به دنبال دارد. بدیهی است انفصال از خدمت اگر پس از اثبات جرم و با حکم دادگاه باشد جنبه کیفری و آثار آن را دارد. مرجع رسیدگی به این تخلفات دادگاه عمومی کیفری محل است. تخلفات اداری مأموران انتظامی اگر عنوان مجرمانه داشته باشد، دیگر ضمانت اجرای انتظامی قابل اعمال نیست و فقط مجازات قابل اعمال است. «اما تبصره ۱ ماده ۱۲۴ قانون استخدام نیروی انتظامی حتی در زمانی که یک مجازات اداری است از منع اعمال دو مجازات برای یک رفتار مجرمانه سخن می‌گوید» (موزن‌زادگان و محمد کوره‌پز، ۱۳۹۵: ۷۰).^۲

۲. طبق تبصره ۱ ماده ۱۲۴ قانون نیروی انتظامی مصوب ۱۳۸۲: «در مواردی که تخلف انتظامی کارکنان دارای عنوان مجرمانه نیز باشد، ابتدا به‌عنوان جرم توسط مرجع قضائی رسیدگی و در صورت محکومیت، رسیدگی به‌عنوان تخلف انضباطی منتفی خواهد شد. در غیر این صورت، صدور قرار منع تعقیب یا رأی برائت از سوی مرجع قضائی،

مقامات قضائی برای احضار و جلب افراد برای بازجویی و تحقیقات مقدماتی و محاکمه باید دلیل کافی بر توجه اتهام به آنان داشته باشند. «به منظور جلوگیری از سلب غیرقانونی آزادی افراد و اخلال به حق دفاع متهمان، در نظام‌های دادرسی کیفری و نیز دادرسی اسلام، بازجویی از متهم زمانی امکان‌پذیر است که دلایل کافی مبنی بر وقوع جرم و توجه آن به وی موجود باشد» (مودن‌زادگان، ۱۳۸۹: ۳۰۷). بازپرس هم نباید بدون دلیل کافی بر توجه اتهام، کسی را به عنوان متهم احضار و یا جلب کند؛ در غیر این صورت براساس تبصره ماده ۱۶۸ قانون آیین دادرسی کیفری موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار خواهد شد. هم‌چنانکه بازجویی تحت اجبار، اکراه، اغفال و تلقین و تخلف از حقوق قانونی متهم حین بازجویی این ضمانت اجرا را براساس ماده ۱۹۶ این قانون در پی دارد. اخذ تأمین نامتناسب نیز طبق تبصره ماده ۲۵۰ این قانون موجب محکومیت انتظامی از درجه ۴ به بالاست. مرجع رسیدگی به این تخلفات دادسرا و دادگاه انتظامی قضات است.

۳-۲. ضمانت اجرای کیفری نقض حقوق شهروندی و دفاعی متهم

مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی براساس اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها پس از ارتکاب جرم و به موجب قانون قابل اعمال هستند. بنابراین تنها اقدامات تحقیقی را که با نقض حقوق شهروندی متهم، عنوان مجرمانه در قانون داشته و برای آن‌ها مجازات و اقدامات تأمینی پیش‌بینی شده است شامل می‌شود. در این زمینه ابتدا ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ در حکمی عام و کلی برای سلب آزادی شخصی افراد ملت یا محروم کردن آنان از حقوق مقرر در قانون اساسی توسط مقامات و مأموران وابسته به نهادها و دستگاه‌های حکومتی، مجازات ۱ تا ۵ سال انفصال از خدمت و حبس از ۲ ماه تا ۳ سال تعیین کرد. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز در ماده ۷ و در تمام مراحل دادرسی کیفری عدم رعایت حقوق شهروندی مقرر در

قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵ از سوی تمام مقامات قضائی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرایند دادرسی مداخله دارند، علاوه بر جبران خسارات وارده، مشمول مجازات ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی

مانع از رسیدگی به موضوع تحت عنوان انضباطی نخواهد بود. به هر حال رسیدگی به یک تخلف تحت دو عنوان جرم و تخلف انضباطی به طور هم‌زمان ممنوع است.»

تعزیرات اعلام نموده است. بنابراین هم نقض حقوق مقرر در قانون اساسی و هم نقض حقوق شهروندی ضمانت اجرای کیفری را در پی دارد. اما این حکم عام مانع تعیین مجازات به طور خاص برای نقض مواردی از حقوق اساسی و آزادی‌های مشروع نشده؛ که در فرایند دادرسی کیفری بیشتر ممکن است در معرض نقض باشند. بنابراین در مواد ۵۷۱ تا ۵۷۸ قانون تعزیرات مقررات خاصی نیز برای نقض این حقوق وضع نموده است.

درواقع در جایی که یک رفتار به صراحت یک مقررۀ قانونی را نقض می‌کند، دیگر نمی‌توان به ماده ۵۷۰ تعزیرات استناد کرد (موذن‌زادگان و محمد کوره‌پز، ۱۳۹۵: ۶۴). در ادامه مقررات خاصی که برای نقض حقوق اساسی و دفاعی متهم مجازات تعیین شده است مورد بررسی قرار می‌گیرد.

سلب آزادی یا جلب و دستگیری و بازداشت غیرقانونی که مغایر اصل ۲۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است به جهت اهمیتی که آزادی در فعالیت‌های انسان دارد با واکنش کیفری مواجه شده است. «آزادی عبارت از حقی است که به موجب آن افراد بتوانند استعدادها و توانایی‌های طبیعی و خدادادی خویش را به کار اندازند، مشروط به اینکه آسیب و زیان به دیگران وارد نسازند» (سیدمحمد هاشمی، ۱۳۷۸: ۱۹۶).

عدم رعایت ضوابط احضار و جلب توسط مقامات قضائی و دیگر مأموران ذیصلاح که موجب سلب آزادی افراد شود، می‌تواند مشمول عنوان دستور بازداشت غیرقانونی و مجازات انفصال دائم از خدمت و محرومیت از مشاغل دولتی به مدت ۵ سال طبق ماده ۵۷۵ ق.م.ا تعزیرات قرار گیرد. در این مورد صرف دستور توقیف یا بازداشت توسط مقامات مذکور و به جریان افتادن آن برای تحقق جرم کفایت می‌کند و از این لحاظ از نوع جرم مطلق است (آقایی‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۴۸).

نگهداری متهم بیش از ۲۴ ساعت بدون اینکه تحقیق از وی شروع یا تعیین تکلیف شود نیز براساس تبصره ماده ۱۸۹ قانون آیین دادرسی کیفری به‌عنوان بازداشت غیرقانونی، قابل مجازات است. همچنین براساس ماده ۵۸۳ قانون مجازات اسلامی تعزیرات، جلب و توقیف و حبس اشخاص بدون حکم مقامات صلاحیت‌دار یا مخفی کردن به‌عنف آنان، جرم و موجب حبس و جزای نقدی است که مرتکبان آن ممکن است ضابطان دادگستری یا مقامات قضائی باشند. «تفاوت مخفی کردن با حبس کردن آن است که در مخفی کردن دور نگاه داشتن قربانی از دید دیگران مدنظر مرتکب می‌باشد و این کار لزوماً در محل بسته و محصور انجام نمی‌شود» (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۳: ۵۶۰). هرچند سلب آزادی تن ممکن است توسط سایر افراد هم صورت گیرد، اما درخصوص متهمان معمولاً توسط مقاماتی که در کشف جرم و تعقیب متهمان و

انجام تحقیقات مقدماتی نقش دارند بیشتر مصداق دارد. این جرم از جرائم مستمر است که مستلزم تداوم سلب آزادی تن در مدت زمانی متعارف است و درنهایت شرکا و معاونان آن نیز طبق ماده ۵۸۴ قانون مجازات اسلامی تعزیرات قابل مجازات هستند.

عدم ثبت و استماع شکایت کسی که برخلاف قانون حبس شده و عدم اعلام شکایت آنان توسط ضابطان به مقامات قضائی نیز از جرائم دیگر ضابطان دادگستری است که نقض حق دادخواهی محسوب می‌شود و براساس ماده ۵۷۲ قانون مجازات اسلامی تعزیرات مجازات انفصال دائم از خدمت و محرومیت ۳ تا ۵ سال از مشاغل دولتی را در پی دارد.

هرگونه اذیت و آزار بدنی برای اخذ اقرار از متهم علاوه بر بی‌اعتباری آن به موجب ماده ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی تعزیرات جرم بوده و حسب مورد علاوه بر قصاص یا دیه مجازات تعزیری، حبس از ۶ ماه تا ۳ سال را به دنبال دارد. اذیت و آزار بدنی ممکن است عنوان ضرب و جرح یا در صورت فوت عنوان قتل را داشته باشد. بدیهی است برای اعمال مجازات مرتکب، معاون و شریک و آمر، باید عناصر لازم مادی و معنوی و قانونی تحقق جرم را داشته و مسئولیت کیفری آنان احراز شده، و رابطه علیت و سببیت بین فعل آنان و نتیجه مجرمانه وجود داشته باشد.

افشای اسرار مردم توسط کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه خود محرم اسرار می‌شوند براساس ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی تعزیرات، جرم و از ۳ ماه و یک روز تا یک سال حبس و یک میلیون و پانصد هزار تا شش میلیون ریال جزای نقدی را به دنبال دارد. این جرم اگر توسط مقامات قضائی یا کارکنان دفتری داداسراها یا دادگاهها انجام شود مجازات مزبور را در پی دارد. مطابق ماده ۱۴۶ قانون دادرسی کیفری، بازپرس مکلف است در مورد سایر نوشته‌ها و اشیای متهم با احتیاط رفتار کند و موجب افشای مضمون و محتوای غیرمرتبط آن‌ها با جرم نشود، در غیر این صورت به جرم افشای اسرار محکوم می‌شود. تبادل فایل‌های صوتی و تصویری از طریق رایانه نیز موضوعی است که در قانون مجازات جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ احکام آن بیان شده است. در مواد ۷۶۴ تا ۷۷۶ این قانون که در ادامه قانون تعزیرات آمده است، نحوه تفتیش و توقیف داده‌ها و سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی، همانند مقررات قانون آیین دادرسی کیفری صرفاً به دستور مقام قضائی و در مواردی است که ظن قوی برای کشف جرم و شناسایی متهم یا ادله جرم موجود باشد. تفتیش و توقیف داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی باید در حضور متصرفان قانونی و متصدیان آن انجام شود. حفاظت از داده‌های رایانه‌ای برای تحقیق یا دادرسی به دستور مقام قضائی بوده و در شرایط فوری طبق ماده ۷۶۲ قانون مجازات اسلامی تعزیرات برای جلوگیری از آسیب و

تغییر یا نابودی داده‌ها، ضابطان دادگستری می‌توانند نسبت به دستور حفاظت از داده‌ها تا ۲۴ ساعت اقدام کنند.

افشای داده‌ها یا خودداری از اجرای دستور مقام قضائی برای حفاظت از داده‌ها نیز طبق ماده مذکور جرم است و امتناع از انجام دستور قضائی، برای ضابطان قضائی و کارکنان دولت و سایر اشخاص حبس و جزای نقدی را در پی دارد. مدت زمان حفاظت از داده‌ها با دستور مقام قضائی سه ماه تعیین شده است؛ و در صورت لزوم با دستور مقام قضائی قابل تمدید است.

دستور حفاظت از داده‌های رایانه‌ای قابل اعتراض نیست، ولی توقیف داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای ظرف ۱۰ روز قابل اعتراض در مرجع قضائی دستوردهنده است.

شنود محتوای در حال انتقال ارتباطات غیرعمومی (خصوصی) و دسترسی به این ارتباطات ذخیره‌شده، مثل پست الکترونیکی و پیامک تابع مقررات شنود مکالمات تلفنی طبق ماده ۱۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری است و ضبط، افشا و استراق سمع غیرقانونی آن‌ها مشمول مجازات ماده ۵۸۲ قانون مجازات اسلامی تعزیرات است. هرچند برای حفظ حریم خصوصی در فضای مجازی خلأهای زیادی مشاهده می‌شود، اما مقررات قانون مجازات جرائم رایانه‌ای نشانه‌ای تمام‌قانونگذار به حفظ حقوق شهروندی و حریم خصوصی افراد در فضای مجازی است.

در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ انتشار جریان محاکمه اطفال و افشای هویت آنان توسط رسانه‌ها براساس ماده ۲۲۵ این قانون و افشای هویت شاکی و مشتکی عنه و بیان موقعیت اجتماعی آن‌ها توسط رسانه‌ها نیز طبق تبصره ۱ ماده ۱۸۸ ممنوع اعلام شده بود. ماده ۲۲۵ مذکور اختصاص به ممنوعیت افشای جریان محاکمه اطفال توسط رسانه‌ها داشت و از این لحاظ نادیده گرفتن آن در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ غیرموجه به نظر می‌رسد. هم‌اکنون طبق ماده ۴۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری والدین، اولیا یا سرپرست طفل و نوجوان، وکیل مدافع، شاکی، اشخاصی که نظر آنان در تحقیقات مقدماتی جلب شده، شهود، مطلعان و مددکاران اجتماعی سازمان بهزیستی و حضور اشخاص دیگر که با موافقت دادگاه بلامانع است، می‌توانند در دادرسی اطفال و نوجوانان حضور داشته باشند. با این حال، افشای اتهامات اطفال و نوجوانان اکنون تابع عمومیت ممنوعیت افشای اسرار بوده و براساس ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی تعزیرات قابل مجازات است. چنانکه ماده ۹۱ قانون آیین دادرسی کیفری نیز ضمن اعلام محرمانه بودن تحقیقات مقدماتی، تمام اشخاصی را که در جریان تحقیقات مقدماتی حضور دارند به حفظ این اسرار موظف کرده است و در صورت تخلف، به مجازات

افشای اسرار شغلی و حرفه‌ای محکوم می‌شوند. «به عبارت دیگر محرمانه بودن تحقیقات یعنی ممنوعیت افشای این اقدامات» (خالقی، ۱۳۹۸).

بازرسی یا ضبط یا استراق سمع غیرقانونی مراسلات و مکالمات تلفنی اشخاص و افشای غیرمجاز مطالب آن‌ها نیز مشمول مجازات ماده ۵۸۲ ق.م.ا.ت.ع. می‌شود. این جرائم نسبت به افرادی مصداق دارد که به مناسبت شغل خود به اسرار مردم دسترسی پیدا می‌کنند و ضابطان دادگستری نیز در زمره آن قرار دارند.

عدم قبول شکایت یا تخلف از ارسال شکواییه نزد دادستان توسط ضابطان دادگستری طبق ماده ۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری و امتناع از رسیدگی به شکایات و تظلمات افراد توسط مقامات قضائی و تأخیر در صدور حکم برخلاف قانون از جرائم دیگر ضابطان دادگستری و مقامات قضائی است که موجب نقض حق دادخواهی شده و علاوه بر محکومیت انفصال از خدمات دولتی از سه ماه تا یک سال برای ضابطان قضائی، برای مقامات قضائی نیز طبق ماده ۱۶ قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰، محکومیت انتظامی در پی دارد. علاوه بر این، به موجب ماده ۵۹۷ قانون مجازات اسلامی تعزیرات، مجازات انفصال از خدمت موقت یا دائم و جبران خسارت برای مقام قضائی را نیز به دنبال دارد.

اغلب این جرائم از نوع مطلق و به صرف تحقق عنصر مادی بدون لزوم اثبات عنصر معنوی قابل مجازات هستند و قانونگذار وجود قصد یا تقصیر را در آن‌ها مفروض می‌داند.

مرجع رسیدگی به جرائم ضابطان دادگستری در موارد فوق، دادسرا و دادگاه عمومی و جرائم مقامات قضائی پس از رسیدگی دادسرا و دادگاه انتظامی قضات دادگاه عمومی کیفری است. رسیدگی به جرائم رسانه‌هایی که در افشای اسرار نقش دارند نیز طبق ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری در صلاحیت دادگاه کیفری یک است.

جرائم مأموران اجرای مجازات‌ها نیز براساس ماده ۵۷۹ قانون مجازات اسلامی تعزیرات برای اعمال مجازاتی که مورد حکم نبوده یا سخت‌تر از مجازاتی که مورد حکم بوده است حبس از ۶ ماه تا ۳ سال و اگر مشمول قصاص یا دیه باشد به آن نیز محکوم می‌شوند. این مجازات در واقع تضمینی برای اصل برائت محسوب می‌شود که منشأ بسیاری از حقوق و آزادی‌های اساسی است. همچنین پذیرش شخصی به‌عنوان زندانی بدون برگه بازداشت صادره از مقامات صلاحیت‌دار توسط مأمور بازداشتگاه‌ها و ندامتگاه‌ها طبق ماده ۵۷۳ قانون مجازات اسلامی تعزیرات ۲ ماه تا ۲ سال حبس را در پی دارد. مهم‌ترین وسیله تحقق این جرم، فقدان برگه بازداشت صادره از مقامات صلاحیت‌دار قانونی است. این جرم از جرائم مانع است که هدف آن جلوگیری از بازداشت‌های

خودسرانه و غیرقانونی است. هم‌چنانکه عدم ارائه و تسلیم زندانی به مقامات صالح قضائی و ممانعت و نرساندن تظلمات محبوسان به مقامات صالح توسط مسئولان بازداشتگاه‌ها و ندامتگاه‌ها براساس ماده ۵۷۴ این قانون جرم و مجازات مذکور را به دنبال دارد. این مجازات نیز در جهت حمایت از حقوق زندانیان که دسترسی به مقامات قضائی ندارند یا برای آن‌ها دشوار است وضع شده و تضمینی است برای حقوق اساسی آنان.

۴-۲. مسئولیت مدنی برای جبران خسارات ناشی از تصمیمات و اقدامات ناقض حقوق شهروندی و دفاعی متهم

نقض حقوق شهروندی و دفاعی متهم علاوه بر بی‌اعتباری اقدامات و تصمیمات اتخاذشده، یا محکومیت انتظامی و کیفری براساس ماده ۷ قانون آیین دادرسی کیفری، می‌تواند مسئولیت مدنی برای جبران خسارات مادی یا معنوی ناشی از نقض این حقوق را نیز در پی داشته باشد.

طبق اصل ۱۷۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اشتباه و تقصیر قاضی در موضوع یا حکم و تطبیق حکم بر مورد خاص که موجب ضرر مادی یا معنوی شود موجب ضمان وی می‌شود. بر همین اساس، ماده ۱۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مقرر کرد: هر گونه صدمه و خسارتی که از روی عمد یا تقصیر، متجاوز از میزان و کیفیتی که در قانون یا حکم دادگاه است، حاصل شود، موجب مسئولیت کیفری و مدنی و در غیر این صورت، خسارت از بیت‌المال جبران می‌شود. بدین ترتیب، صدور حکم به مجازات فراتر از میزان قانونی مسئولیت کیفری و مدنی مقامات قضائی و اجرای حکم بیش از میزان و کیفیتی که در قانون یا حکم دادگاه مشخص شده است مسئولیت کیفری و مدنی مأموران اجرای احکام را به دنبال داشته و در صورتی که ناشی از عمد یا تقصیر مقامات مذکور نباشد خسارت از بیت‌المال جبران می‌شود. بیت‌المال اصطلاحی فقهی است که امروزه معادل خزانه دولت است. تبصره ماده ۱۴۵ قانون آیین دادرسی کیفری نیز برای خسارات وارده در بازرسی از منازل، اماکن و اشیا در صورتی که به صدور قرار منع یا موقوفی تعقیب یا حکم برائت متهم منجر شود، دولت را مسئول جبران خسارت شمرده است و دولت نیز در صورت تقصیر بازپرس یا سایر مأموران به مقصر مراجعه می‌کند. بنابراین نقض حقوق شهروندی متهم ناشی از عمد یا تقصیر یا اشتباه مقامات قضائی و ضابطان دادگستری و مأموران اجرای مجازات، که موجب خسارات مادی یا معنوی و تقویت منافع ممکن‌الحصول متهم شود، مسئولیت مدنی برای جبران خسارات را به دنبال دارد.

یکی از مواردی که همواره لزوم جبران خسارت آن مطرح شده، درمورد زندانیانی است که

بی‌گناهی آنان اثبات می‌شود. مطابق بند ۱ ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، هیچ کس نباید خودسرانه توقیف و بازداشت شود. طبق تفسیر کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد، از واژه خودسرانه در بند ۱ ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی علاوه بر بازداشت غیرقانونی، شامل مواردی از جمله «عدم تناسب» و «غیرعادلانه» و «بدون کیفرخواست» هم می‌شود (UN, DOC.CCPR/C/51/D/458/1991).

بندهای ۱ و ۵ قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، از هرگونه بازداشت اضافی، غیرقانونی و بدون ضرورت منع کرده است. ضمانت اجرای نقض منع توقیف غیرقانونی علاوه بر مجازات مذکور در ماده ۵۸۳ قانون مجازات اسلامی تعزیرات، جبران خسارات مادی و معنوی است که در مواد ۲۵۵ تا ۲۶۱ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ مقرر شده است. براساس ماده ۲۵۵ ق.آ.د.ک اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی به هر علت بازداشت می‌شوند و از سوی مراجع قضائی حکم برائت یا قرار منع تعقیب درمورد آنان صادر می‌شود، می‌توانند با رعایت ماده (۱۴) این قانون خسارت ایام بازداشت را از دولت مطالبه نمایند.

ماده ۱۴ این قانون نیز خسارات مادی و معنوی و منافع ممکن‌الوصول را قابل مطالبه می‌داند. در تحقیقات مقدماتی معمولاً در قراردادهای تأمینی، بازداشت موقت و قرار کفالت و وثیقه منجر به بازداشت به دلیل عجز از معرفی کفیل و عجز از تودیع وثیقه، در صورتی که به قرار منع تعقیب یا برائت منتهی شود، خسارت ایام بازداشت قابل مطالبه است. «حتی می‌توان بر این اعتقاد بود که حکم ماده فوق شامل سلب آزادی ناشی از تحت نظر قرار دادن متهم توسط ضابطان دادگستری نیز می‌شود» (خالقی، ۱۳۹۸/۱:۲۶۹). کمیسیون جبران خسارت موضوع ماده ۲۵۷ قانون آیین دادرسی کیفری درمورد خسارات ناشی از بازداشت متهم بی‌گناه رسیدگی می‌کند. عدم رعایت حق دادخواهی که به موجب اصل ۳۴ قانون اساسی حق مسلم فرد است، و امتناع از رسیدگی به شکایات و تأخیر در صدور حکم برخلاف قانون توسط مقامات قضائی نیز طبق ماده ۵۹۷ قانون مجازات اسلامی تعزیرات، علاوه بر مجازات موجب مسئولیت جبران خسارات وارده نیز خواهد شد. به نظر برخی از حقوقدانان از قبیل پروفیسور لئوته وودل صرف صدور حکم برائت و یا قرار منع تعقیب برای اعطای خسارت کافی نبوده و متهمی که دستگاه عدالت او را بی‌گناه شناخته وقتی استحقاق دریافت خسارت را دارد که بی‌گناهی خود را ثابت نماید. چه شک و تردید در بسیاری موارد به نفع متهمین تعبیر و موجب برائت آنان می‌گردد که مطلقاً لیاقت جبران خسارت را ندارند (آشوری، ۱۳۵۲).

با این حال به نظر می‌رسد چون برائت یا منع تعقیب متهم به لحاظ فقدان دلیل و براساس فرض بی‌گناهی صادر می‌شود برای استحقاق جبران خسارت کفایت کند و الزام وی به اثبات بی‌گناهی

برای استحقاق جبران خسارت، خلاف فرض بی‌گناهی و اصل برائت است. مع الوصف در مورد قرار موقوفی تعقیب موضوع ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری می‌توان تفکیک قائل شد و استحقاق جبران خسارت آنان را به اثبات بی‌گناهی واقعی آنان موکول دانست، زیرا موارد موقوفی تعقیب مثل گذشت شاکی، مرور زمان، توبه، فوت متهم و عفو هیچ‌گاه بر بی‌گناهی متهم دلالت ندارند، بلکه ادامه تعقیب و محکومیت آن‌ها به جهات مذکور منتفی می‌شود. چه بسا در صورت فقدان موارد فوق امکان محکومیت متهم نیز فراهم می‌شد.

نتیجه

در تحقیقات مقدماتی دادسرا، که به روش تفتیشی انجام می‌شود رعایت حقوق اساسی و شهروندی متهم اهمیت بسزایی دارد. حقوق شهروندی قابل اعمال در دادسرا به منزله حقوق دفاعی متهمان است که برای تحقق دادرسی عادلانه، رعایت آن‌ها ضرورت دارد. تعیین مصادیق این حقوق و روش‌های اعمال و تضمینات لازم برای اجرای آن‌ها از مهم‌ترین موضوعات قوانین داخلی و اسناد بین‌المللی است که در قانون حفظ حقوق شهروندی و احترام به آزادی‌های مشروع مصوب ۱۳۸۳ و در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به تفصیل مورد حکم قرار گرفته است. در قانون اخیر مصادیق حقوق شهروندی متهم تنوع بیشتری یافته است و سعی شد تا ضمانت اجرایی برای تضمین رعایت هرچه بیشتر آن‌ها پیش‌بینی شود. عدم رعایت یا نقض حقوق شهروندی که به منزله حقوق دفاعی متهم است، ممکن است با ضمانت‌های زیر مواجه شود:

در مواردی عدم رعایت یا نقض این حقوق موجب بی‌اعتباری تحقیقات می‌شود، مثل سلب حق همراه داشتن وکیل یا عدم تفهیم این حق به متهم. گاهی عدم رعایت یا نقض حقوق اساسی و دفاعی متهم موجب محکومیت انتظامی مقامات قضائی یا ضابطان دادگستری و مأموران اجرا می‌شود، مثل جلب و احضار بدون دلیل افراد برای تحقیقات و بازجویی یا اخذ تأمین نامتناسب. در مواردی نیز اقدامات ناقض حقوق دفاعی و شهروندی متهم که منحل نظم عمومی و جریان دادرسی باشد، جرم‌انگاری و برای آن مجازات تعیین شده است، مثل امتناع از رسیدگی به شکایات و تظلمات افراد یا افشای اسرار متهمان یا پذیرش افراد به‌عنوان زندانی بدون برگه بازداشت صادره از مقامات صلاحیت‌دار. درنهایت ممکن است در صورت ایراد خسارت به متهم، در مواردی مثل اقدامات ناقض حریم خصوصی متهم، یا در موارد اشتباه و تقصیر قاضی، مسئولیت جبران خسارات را در پی داشته باشد. با این حال، در خصوص رعایت حقوق شهروندی به‌منزله حقوق دفاعی متهم در برخی جرائم از جمله جرائم زنان و اطفال در تحقیقات مقدماتی به جهت صدور قرار عدم دسترسی به پرونده یا عدم اجازه حضور برخی افراد در دادگاه، نارسایی‌هایی وجود دارد که

ممکن است به ضرر این متهمان باشد. لذا رعایت موازین دادرسی عادلانه برای تدارک دفاع ایجاب می‌کند حتی‌الامکان قبل از ختم تحقیقات یا دادرسی امکان دسترسی اصحاب دعوی یا وکلای آنها با رعایت امانت و حفظ اسرار پرونده فراهم شده و نقض حقوق اساسی و دفاعی آنان به‌طور خاص با ضمانت اجرای متناسب مواجه شود.

فهرست منابع

➤ قرآن کریم.

الف) منابع فارسی

- آخوندی، محمود (۱۳۶۸)، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- آشوری، محمد (۱۳۵۲)، «لزوم جبران خسارت زندانی بی‌گناه»، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۱۵ و ۱۶.
- آشوری، محمد (۱۳۷۶)، عدالت کیفری، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- آقایی‌نیا، حسین (۱۳۸۵)، جرائم علیه اشخاص (شخصیت معنوی)، تهران: میزان.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۸)، «نگهداری تحت نظر»، مجموعه مقالات، تهران: سمت.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۹)، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، تهران: میزان.
- جفی ابرنآبادی، علی حسین (۱۳۸۸)، «رویکرد جرم‌شناختی قانون حقوق شهروندی»، مجموعه مقالات، تهران: گرایش.
- خالقی، علی (۱۳۹۸)، «اسناد محرمانه به‌عنوان دلیل اتهام»، افق‌های نوین حقوق کیفری (مجموعه مقالات نکوداشت دکتر آقایی‌نیا)، تهران: میزان.
- خالقی، علی (۱۳۹۸)، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، تهران: شهر دانش.
- سروی مقدم، مصطفی (۱۳۸۳)، «مروری بر تفاوت تابعیت، شهروندی و دیگر واژگان مشابه در حقوق ایران، بریتانیا، آمریکا و فرانسه»، مجله مدرس علوم انسانی، شماره ۳۴.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۹)، مبانی حقوق عمومی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۵)، نظام حقوق زن در اسلام، تهران: صدرا.
- مودن‌زادگان، حسنعلی (۱۳۸۹)، «تضمینات حقوق دفاعی متهمان و امر باجوبی در مرحله تحقیقات مقدماتی»، پژوهش‌های حقوق و سیاست، شماره ۲۸.
- مودن‌زادگان، حسنعلی و حسین محمد کوره‌پز (۱۳۹۵)، «ضمانت اجرایی نقض حقوق شهروندی در فرایند تحقیقات پلیسی»، آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۱۱.
- میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۹۳)، جرائم علیه اشخاص، تهران: میزان.
- هاشمی، سیدمحمد (۱۳۷۸)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: دادگستر.

ب) منابع عربی

- سرخسی، شمس‌الدین (۱۴۱۴ق)، المبسوط، ج ۴، بیروت: دارالمعرفه.
- شیخ صدوق، ابن بابویه (۱۴۰۴ق)، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- نجفی، محمدحسن (۱۳۹۸ق)، جواهرالکلام، ج ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

ج) اسناد

- ریاست جمهوری (۱۳۹۶)، منشور حقوق شهروندی.

➤ قرة قضائيه (۱۳۹۹)، سند امنيت قضائى.

(د) منابع انگليسى

- James E clap (2003), **Dictionary of the Law**, Random Hous, Webster, NewYork
- UN, GA RES, 217, (1948), Universal, declaration of human rights.
- UN, GA RES,2200A (1966), International covenant on civil and political rights.
- UN.HRC,REP,A/46/40 (1991), Human right commission report.
- UN, GA RES,39/46 (1984), Convention against torture and other cruel inhuman or degreding treatment or punishment.
- UN, DOC, CCPR (1991/C/51/D/458), Un human rights committee.

